

معاصر سازی حضور سیاسی حضرت زهرا(س)

معاصر سازی حضور سیاسی حضرت زهرا(س) در زندگی حضرت زهرا(س)، جلوه های صریحی از فعالیت های سیاسی را شاهدیم، به حدی که می توان ایشان را یکی از سیاستمدارترین افراد در عصر خود و در تمام زمان ها دانست.



معاصر سازی حضور سیاسی حضرت زهرا(س) در زندگی حضرت زهرا(س)، جلوه های صریحی از فعالیت های سیاسی را شاهدیم، به حدی که می توان ایشان را یکی از سیاستمدارترین افراد در عصر خود و در تمام زمان ها دانست.

به گزارش خبرگزاری زنان؛ سراسر زندگی حضرت در فراز و نشیب های سیاسی اسلام سپری شد. تولد ایشان در اوج فشارهای سیاسی جبهه کفر اتفاق افتاد، سپس سه سال محاصره شعب ابی طالب و بعد از آن واقعه هجرت، ازدواج با حضرت امیر(ع) و... همه میدانی برای بروز دیدگاه های سیاسی- اسلامی او و ارائه ایدئولوژی های فاطمی(س) در زمین بود.

جالب این که نفس تولد حضرت زهرا(س) پاسخ خداوند به کافران و معاندین دین بوده که شناسنامه این میلاد مبارک، سوره کوثر قرار داده شده است.

همچنین آنان که خدیجه(س) را به خاطر حمایت از اسلام و پیامبر(ص) سرزنش می کردند و از کمک به او در وضع حمل، دریغ کردند، اگر اسرار میلاد فاطمه(س) و قابلیت زن آسمانی را درک می کردند، از همان آغاز مفهوم وجود سیاسی- آسمانی زهرا(س) را می فهمیدند.

ایام شعب و محاصره سیاسی دشمن، فرصت مناسبی برای لمس سیاست دینی در کنار پدر و مسلمین برای زهرا(س) فراهم آورد. گذشته از این، همین حضور در شعب و مقاومت های کودکانه، الفبای فرهنگ سیاسی فاطمه(س) را رقم زد.

فاطمه(س) پس از سال عام الحزن و تنهایی پیامبر(ص) با علم به این که بزرگترین فعالیت ایشان می تواند حمایت روحی از پدر، به عنوان محور اسلام باشد، تمام وجود خود را صرف این هدف نمود تا بدان جا که لقب ام ابیها را از پدر گرفت.

در اوج فشارهای روحی و شکنجه های جسمی دشمن، فاطمه(س)، استقامت مسلمانان را شاهد بود و همین صحنه ها، روح حماسه را در او تقویت نمود. در شب لیله المیّت که امام علی(ع) در بستر پیامبر(ص) خوابید تا ایشان در میان غفلت کفار، مکه را ترک کنند؛ فاطمه(س) با شجاعت و روحیه ای کاملاً حماسی در خانه حضور داشت. اگر سیاست را به معنای آگاهی نسبت به مسائل روز تلقی کنیم حضرت زهرا(س) یکی از آگاه ترین افراد نسبت به مسائل زمان خویش بود.

در داستان هجرت به مدینه، که نقطه عطف تاریخ نبوت محسوب می شود؛ حضرت متحمل دشواری های فراوان شد و با وجود شرایط سخت خفقان و وجود ناامنی و مسدود بودن راه ها به همراه علی(ع) و چند تن از زنان مسلمان عازم مدینه شد.

اما فصل پیوسته، گسترده و مستقیم فعالیت های سیاسی فاطمه(س) در زندگی با علی(ع) تجلی پیدا کرد.

فاطمه(س) در ازدواج خود نیز با سیاست مداری اسلامی اقدام نمود. خواستگاران بسیاری از بزرگان مهاجر و انصار و... منتظر پاسخ او بودند، در حالی که موضع فاطمه(س) در مقابل همه، سکوتی پر امتناع بود. ولی در مورد علی(ع) سکوتی رضایت مندانانه نشان داد و دلیل انتخاب علی(ع)، اتصال واقعی او با نبوت و حقانیت دینی علی(ع) بود. فاطمه(س) با طرد خواستگاران در حقیقت موضع سیاسی خود را اعلام نمود و معنی آن این بود که جز علی(ع) کسی برای نگهداری امانت پیامبر(س) صلاحیت ندارد.

تایید علی(ع) در حقیقت تایید ولایت او را به دنبال دارد. و زهرا(س) از همین مرحله موضع سیاسی خود را در همسویی و مشارکت با جبهه ولایت اعلام می دارد. تجلی این اعلام را در جریانات سقیفه شاهد هستیم.

پس از آن که مدعیان خلافت از غفلت و جاهلیت عوامانه مردم سوء استفاده نموده، حق را پوشاندند و ولایت را کنار زدند؛ سراسر زندگی حضرت، مبارزه سیاسی شد. آن گاه که برخی از بی خردان، به همراه جماعتی از مردم فریب خورده برای گرفتن بیعت از علی(ع) به خانه او هجوم بردند، حضرت زهرا(س) برای ممانعت، خود پشت در قرار گرفت.

ایشان در ابتدا به مبارزه سیاسی در قالب تذکر پرداخت: من هیچ مردمی را بدتر از شما ندیده ام. جنازه رسول خدا(ص) را در دست ما رها کردید و به جانب سقیفه شتافتید و بدون مشورت ما اهل بیت(ع) هر چه خواستید کردید. آن چنان که گویی از حادثه غدیر خم و آن چه پدرم در حق علی(ع) فرمود، هیچ خبر ندارید.

فاطمه(س) با وجود آن که علی(ع) در خانه حاضر بود، خود پشت در ایستاد. چرا که خوب می دانست اگر علی(ع) بایستد؛ در دید دنیا پرستان ایستادن علی(ع) برای مخالفت با حاکمیتی است که مردم آن را پذیرفته اند.

ولی فاطمه(س) می خواست ثابت کند که برای مخالفت با خلافت به ناحق تصاحب شده و حمایت از حقیقت ولایت، ایستاده است. ایستادن فاطمه(س) مبارزه زنی برای احقاق حق همسر نیست. بلکه پیام فاطمه(س) ایستادگی در احیاء حق ولایت است.

ایشان در آن شرایط بحرانی هشدار می دهد و یادآوری می کند که بدترین امت ها شماست که بدون مشورت با ما چنین اقدامی نموده اید. ایشان در حقیقت با توبیخ مردم اعلام می دارد که ما نیازی به همراهی شما نداریم، بلکه شما نیازمندی هستید که به دلیل جهل و غفلت، مشورت و راهنمایی ما را از دست داده اید. همچنین حضرت در ادامه می فرماید:

سوگند به خدا که پیامبر(ص) در آن روز برای ولایت و رهبری علی(ع) از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت طلبان تشنه قدرت را قطع نماید. ولی شما پیوند میان پیامبر(ص) و خودتان را بریدید و حرمت او و وصی اش را پاس نداشتید؛ اما بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد...

حضرت در این کلام فلسفه غدیر را بیان می‌دارد و متذکر می‌شود که هدف واقعه غدیر که رسالت جز با آن تکمیل نمی‌شد، قطع امید فرصت طلبان از حکومت، تعیین مهمترین امر یعنی جانشین پیامبر و تعیین تکلیف برای حکومت آینده بوده است.

سپیس فاطمه(س) خدا را قاضی میان خود و مردم قرار می‌دهد و این اشاره دیگری است به این که در حاکمیت حاضر کسی جز خدا قدرت داوربیر اساس حق را ندارد و بدین گونه برائت خویش را از حکومت وقت اعلام می‌دارد. با وجود آن که جاهلان تهدید به شکستن در و... کردند، اما فاطمه(س) قاطعانه ایستاده و اعتراض خود را در تاریخ ثبت نمود.

عاقبت، در سوزانده و فاطمه(س) مجروح گردید. به زور حریم خانه فاطمه(س) تسخیر شد و علی(ع) را با دست بسته از خانه بیرون کشیدند تا برای اخذ بیعت در اجتماع مردم به مسجد ببرند، فاطمه(س) با تمام جراحات و آسیبی که دیده بود، هنوز مقاومت می‌کرد؛ دامنه استقامت و مبارزه سیاسی خویش را تا فضای کوچه ادامه داد، تا مردم شاهد باشند که او علنا معترض غصب حق علی(ع) است.

ایستادگی اوتا مرحله‌ای است که می‌خواهد مانع بردن علی(ع) به مسجد شود، ولی به زور کنار زده می‌شود کاری دشمن، او را از پای درمی‌آورد و بی هوش، بر خاک کوچه می‌اندازد وقتی به هوش می‌آید، به جای ناله از درد و اندوه سقط فرزند، اولین چیزی که بر زبان می‌آورد، نام علی(ع) است.

می‌خواهد از سرنوشت علی(ع) بداند. همین که می‌شنود او را به مسجد برده‌اند، باضعفی که توان ایستادن را از هر انسانی می‌گیرد، بی پروا به سمت مسجد می‌آید. تصمیم می‌گیرد شکایت غاصبان را نزد پدر ببرد. کنار مزار پیامبر(ص) زانو می‌زند. سلمان پیام می‌آورد که امام فرموده نفرین نکنید.

فاطمه(س) در اوج خشم و غضب آرام می‌گیرد و می‌فرماید: حال که امام چنین خواسته، باشد. ولی به خدا تا به چشم خود علی(ع) را آزاد نبینم، پای خود را از مسجد بیرون نخواهم گذاشت...

ایستادگی و مبارزه منفی فاطمه(س) متعدیان را به عجز درمی‌آورد و آنان را مجبور می‌کند که علی(ع) را رها کنند.

رفتن فاطمه(س) به همراه علی(ع) بر در خانه مهاجر و انصار و اقدام به روشنگری آن‌ها نماد دیگری از حضور سیاسی فاطمه(س) در عرصه اجتماع می‌باشد.

فراز دیگری از حرکت سیاسی فاطمه(س) را در ماجرای غصب فدک که یکی دیگر از برنامه‌های سیاسی دشمن بود، می‌بینیم. خطبه فدکیه، نشان دهنده عرصه کاملی از مبارزه و مقاومت سیاسی حضرت می‌باشد که به آن پرداخته شده است.

یکی از عمیق ترین مبارزات منفی فاطمه(س) صحبت نکردن با خلیفه است. کم کم بر سر زبان‌ها افتاد که چرا دختر پیامبر(ص) با خلیفه حرف نمی‌زند و چرا سوگند خورده است که تا زنده است با آنان صحبت نخواهد کرد؟

خلیفه علی(ع) را واسطه قرار می‌دهد و از او می‌خواهد فاطمه(س) را برای ملاقات با او راضی کند. فاطمه(س) به خاطر علی(ع) می‌پذیرد. ولی در آن ملاقات، چنان افشاگری زیبایی دردل تاریخ ثبت می‌کند که بسیاری از شبهات با آن قابل پاسخ است.

زهر(س) می‌داند که خلیفه مجبور است برای جلب افکار عمومی، اعتصاب او را بشکند و در ملاقات زبان به عذرخواهی می‌گشاید.

حضرت(س) می‌فرماید: شما را به خدا سوگند می‌دهم بگوئید آیا شنیده اید که رسول خدا(ص) فرمود:

فاطمه(س) پاره تن من است؛ هر که او را بیازارد مرا آزرد، خشنودی فاطمه(س) خشنودی من است و خشم فاطمه(س) غضب من؟! پس از آن که آن‌ها این بیان را تایید می‌کنند، حضرت(س)، قاطعانه می‌فرماید: پس خدا و ملائکه را به شهادت می‌گیرم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید و آزار دادید. هنگامی که با پدر خود ملاقات کنم، شکایت شما را نزد او خواهم برد.

آخرین حرکت سیاسی فاطمه(س) سوال بزرگی است که در ذهن تاریخ، برای همیشه رقم خورد و ثبت شد و آن بی نشانی مزار حضرت فاطمه (س) است.

مسلم است که وقتی چیزی گم شود، همه علت آن را جویا می‌شوند. و در پی یافتن آن هستند زیرا در این جستجو حقایق بر ملا می‌شود.

حضرت(س) وصیت فرمود که جز عده اندکی که به آرمان‌های پیامبر(ص) وفادار ماندند، هیچ کس حق شرکت در مراسم تشییع او را نداشته باشد و از علی(ع) خواست که کسی نشانی مزارش را نداند.

او را شبانه و دور از چشم‌های غفلت زده مردم به خاک سپردند. این فریاد اعتراض فاطمه(س)، به تمام دنیا طلبان است، به آنان که سیاست دفاع از حق را اعمال نمودند، به همه مدعیان اسلام که مسلمانی را جز در محدوده آداب فردی لمس نکرده و بویی از اسلام حقیقی نبرده‌اند.

آخرین وصیت فاطمه(س) سیاستمدارانه ترین وصیت در تمام تاریخ بوده است. چرا که با ایجاد این علامت سوال تا ابدیت انسان‌ها را وادار ساخت، تا نام فاطمه(س) می‌آید، سراغ مزارش را بگیرند، آن را ناشناخته ببابند و بپرسند که چرا؟! مگر مردم با او چه کردند که چنین مظلومانه و غریبانه زیست و چنین ناپیدا به خاک سپرده شد؟

این سوال می‌تواند زنگ بیداری ذهن بشر و فراخوانی برای ضرورت حضور در عرصه سیاسی و همچنین تمام میدان‌هایی که در آن به احیاء حق جهت داده می‌شود، باشد.